

دوفصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ۱۳ شماره ۴۰ بهار و تابستان ۱۴۰۰ (صص ۱۵۸-۱۴۳)

روش‌شناسی ابوریحان بیرونی در کتاب فی تحقیق ماللهند و آثارالباقیه

۱-فاطمه رستمی

چکیده

ابوریحان بیرونی یکی از نامدارترین دانشمندان سده چهارم هجری است. مهم‌ترین دلیل معروفیت او به کارگیری روش‌شناسی و داشتن بینشی ژرف در کالبدشکافی علوم بود. مقاله حاضر درصدد است تا به این سوال پاسخ دهد که وجوه افتراق و اشتراک اندیشه‌های ابوریحان در تعریف و تفسیر علم در دو کتاب آثارالباقیه و فی تحقیق ماللهند چیست؟ دستاوردها نشان می‌دهد اگرچه رویکرد ابوریحان در پاره‌ای از علوم نظیر طبیعیات، ریاضی و علوم تجربی مبنی بر مشاهده، استقراء و شیوه عقلی بوده؛ در کتاب فی تحقیق ماللهند و آثارالباقیه نگرشی محتاطانه همراه با اندکی تعصب داشته است. بیرونی در این اثر بیش از روش عقلی از روش همدلانه که امروزه یکی از روش‌های موثر در رشته علوم انسانی است، بهره جست. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در تلاش است تا به ظرافت‌های درک درونی و فهم تاریخی دو کتاب فی تحقیق ماللهند و آثارالباقیه بپردازد.

کلید واژه‌ها: ابوریحان بیرونی، آثارالباقیه، فی تحقیق ماللهند، روش‌شناسی

۱- مقدمه

ابوریحان بیرونی را دانشمند و درعین حال فیلسوف زبردست مسلمان نام نهاده‌اند؛ زیرا سبک و رویکرد او برخلاف جریان نقلی اندیشه اسلامی مبتنی بر مشاهده، دقت نظر همراه با استدلال عقلی بود. در تفکر نقلی هرگونه استدلال، تحلیل و قضاوت در علوم مردود بوده و عالمان صرفاً به نقل روایت در علوم مختلف می‌پرداختند. در چنین فضایی او برخلاف جریان اندیشه نقل‌گرایانه در آثار معروفش نظیر فی تحقیق ماللهند، التفهیم، جماهیر و آثارالباقیه بارها از متدلوژی

Email: fatemehrostami@lihu.usb.ac.ir

۱-استادیار گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۱۲

و انتخاب آراء برتر در میان جمیع آراء سخن به میان آورده و با علم بر این ویژگی استدلال می‌کند که رویکردی منحصر به فرد را در پیش گرفته‌است که گذشتگان را به آن التفاتی نبوده‌است. همپایان او در روش شناسی نوین ابن‌مسکویه فیلسوف معروف و نویسنده کتاب معروف *تجارب‌الامم* و مسعودی مولف کتاب *مروج‌الذهب* بودند. باوجوداین شواهد و دلایلی در دست است که نشان می‌دهد نگرش و روش بیرونی در دو کتاب *آثارالباقیه* و *فی تحقیق ماللهند* متفاوت و منحصر به خود او بوده‌است. بررسی روش شناسی ابوریحان در دو اثر مذکور از جمله الزامات و ضروریات موضوع حاضر است.

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

اگرچه رویکرد متفاوت ابوریحان به علوم و اتکاء وی به روش‌هایی چون مشاهده، استقراء و استدلال عقلی حقیقتی غیرقابل‌انکار است؛ اما شواهد و دلایلی در دست است که نشان می‌دهد در کتاب *آثارالباقیه* و *فی تحقیق ماللهند* که پس از بازگشت از غزنه نوشت، رویکردی متفاوت نسبت به سایر آثارش داشته‌است. پژوهش حاضر درصدد است تا به این پرسش پاسخ دهد و جوه افتراق و اشتراک اندیشه‌های ابوریحان در باب تعریف و تفسیر علم در *آثارالباقیه* و *فی تحقیق ماللهند* با سایر آثارش چیست؟ چه رابطه‌ای میان خاستگاه علمی و سیاسی ابوریحان با نگرش کتاب‌های *فی تحقیق ماللهند* و *آثارالباقیه* وجود دارد؟ پیش‌فرض‌های پژوهش حکایت از آن دارد که بیرونی برای درک بهتر تاریخ هند و معرفی تاریخ مردمان از روش همدلانه که امروزه از مهم‌ترین مباحث انسان‌شناسی است بهره جست. روش همدلانه از سوی صاحب نظرانی چون ديلتای و ماکس وبر مطرح شد که در آن با تأکید بر درک متن به واکاوی آن تأسی می‌جستند؛ اما پژوهش حاضر نشان می‌دهد این روش پیشتر در آثار ابوریحان بیرونی مورد توجه قرار گرفته بود. آشنایی و آموزش مکاتب فلسفی و رویکرد عقلی یونان بر اندیشه فلسفی ابوریحان سبب تمرکز و روش‌مندی آثار او شده‌است. باوجوداین از آنجا که ابوریحان به عنوان فردی مسلمان با حاکمان و بزرگان آن روزگار در تعامل بوده لذا در پاره‌ای علوم منجمله مباحث کلامی، تاریخی و علوم غیرطبیعی جانب احتیاط را لحاظ کرده و در برخی موارد نیز گاه به جانبداری از آنها پرداخته است.

۲-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

نگارش جستار حاضر از آن روست که خط مشی فکری ابوریحان بیرونی را در کتاب آثارالباقیه و فی تحقیق ماللهند متفاوت از سایر کتاب‌های او مورد واکاوی قرار می‌دهد. همچنین این مقاله نوع استفاده از روش و متدلوژی حاکم بر دو کتاب اخیر اهمیت و ضرورت تحقیق را بیش از پیش نشان می‌دهد که به نوبه خود می‌تواند به مثابه الگویی بدیع در روش‌شناسی جدید متن‌خوانی و فهم متن در مورد سایر متون تاریخی نیز مورد استفاده قرار گیرد.

۳-۱- پیشینه تحقیق

برای شناخت روش‌شناسی کار ابوریحان بیرونی مهم‌ترین سند آثار و دست نوشته‌های اوست. بسیاری از محققان و صاحب‌نظران اسلامی با تکیه بر همین کتب به تحلیل و تفسیر جنبه‌های مختلف فکری و علمی او مبادرت ورزیدند. از میان محققان خارجی فرانتس روزنتال در کتاب تاریخ تاریخ نگاری در اسلام (ج ۱، ۱۳۶۵) از دقت نظر ابوریحان بیرونی در خصوص رویکرد روش شناختی اش به نیکی یاد کرده است، دیدگاه علمی و روشمند بودن ابوریحان از جمله نکاتی است که روزنتال بدان اشاره دارد اما وی تنها بخش کوتاهی از کتاب را به معرفی ابوریحان اختصاص داده و آثار او را همراه با سایر روش‌های دانشمندان اسلامی معرفی می‌کند. هانری کوربن در کتاب تاریخ فلسفه اسلامی (۱۳۹۱) از کتاب فی تحقیق ماللهند تحت عنوان کتاب مرجع نام می‌برد، اما به محتوا و روش‌شناسی این کتاب به صورت موردی و مجزا نمی‌پردازد. الشابی ذیل فرهنگ و تمدن اسلامی از متدلوژی دقیق بیرونی در بررسی علوم مختلف یاد کرده است. مقاله الشابی تحت عنوان زندگینامه بیرونی (۱۳۵۲) همچنین مطالب سودمندی در خصوص زندگانی ابوریحان ارائه می‌دهد اما به مبحث روشی او اشاره ای نمی‌کند. نوشته کورویاناکا با نام یادنامه بیرونی (۱۳۵۳) نیز مطالب سودمندی در خصوص رویکرد ابوریحان به مقوله علم، دین و فرهنگ ارائه می‌کند. کورویاناکا در این مقاله با تأسی از نگرش ادوارد سعید شرق شناس به مباحث رویکردی ابوریحان نگرسته است.

از پژوهش‌های ایرانی نیز می‌توان کتاب علم و تمدن در اسلام حسین نصر (۱۳۵۹) مقالات پرویز اذکار، قاسم شجری و پیرمردیان را نام برد که هر یک ابعاد مختلف روش و بینش او را در

علوم مختلف مورد واکاوی قرار دادند. جستار اذکار تحت عنوان ابوریحان بیرونی افکار و آرا (۱۳۷۴) در زمینه روش‌شناسی کار ابوریحان تا حدودی با مقاله حاضر هم‌خوانی دارد. اذکار در مقالات خود بر این نکته تأکید دارد که روش‌شناسی ابوریحان با روش‌شناسی انسان‌گرایانه امروز منطبق است. همچنین شجری قاسم در مقاله نگرش هوینی ابوریحان بیرونی (۱۳۸۹) در خصوص بینش ابوریحان بیرونی راجع به هویت ملی سخن به میان آورده است. به باور شجری ابوریحان در آثار خود به مقوله هویت مذهبی به عنوان مولفه اصلی هویت توجه بسیار داشته است. در مبحث هویت و در حوزه خودی و غیرخودی می‌توان به مقاله او استناد کرد. بخش‌هایی از نوشتار پیرمردیان، مصطفی و صادقی، حمید نیز تحت عنوان افق‌های فهم تاریخی از غزنه تا ری: نگرشی بر همسانی روش و افتراق در بینش‌های تاریخ‌نگاران ابوریحان بیرونی و مسکویه رازی (۱۳۹۵) نیز به مباحث روش‌شناسی ابوریحان اشاره داشته که مقاله حاضر در قسمت تطبیقی از آن بهره‌جسته است. اما از آنجا که رویکرد مقاله مقایسه روشی دو چهره ابوریحان و ابن مسکویه بوده در خصوص آثار بیرونی به صورت مجزا مطلبی به میان نیامده است.

اخیرا نیز محققانی مرتبط با مطالعات شبه قاره اعم از فارسی‌زبان و ترک‌زبان به ابعاد مختلف زندگی و کارنامه علمی ابوریحان بیرونی پرداخته‌اند. پژوهش احمد مقبول با نام "مقدمه‌ای بر زندگی و نوشته‌های بیرونی" (۱۹۷۵) در خصوص زندگی و رویکرد عقلی و فلسفی بیرونی مطالب مفیدی دارد. عبدالله دومان نیز از جمله پژوهشگرانی است که در پژوهش خود تحت عنوان "بیرونی: معنای شخصیت او، کار او، درک او از تاریخ و روش او" (۲۰۱۰) به معرفی مختصری از دو کتاب "آثارالباقیه" و "قی تحقیق ماللهند" پرداخته است. به باور دومان ابوریحان علوم را فارغ از تعصبات، نگرش‌ها و باورهای ارزشی مورد واکاوی قرار می‌داد. این محققین دلایل خود را براساس گفته‌های خود ابوریحان بیرونی در کتاب‌هایش ذکر کرده‌اند. از سوی دیگر برای اثبات چنین رویکردی به جمیع کتب ابوریحان استناد کرده‌اند.

۲- وجوه اشتراک روش‌شناسی در فی تحقیق ماللهند و آثارالباقیه

موضوع کتاب آثارالباقیه مطالعه تطبیقی تقویم‌های فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون، درهم‌بافته با ریاضیات، نجوم، اطلاعات تاریخی به همراه کاوش در سنن و مذاهب ملت‌های گوناگون است. بیرونی در این تألیف به مقوله‌هایی نظیر گاهشماری و تقویم ملل مختلف، تاریخ ایران و بابل و

روم، جشن‌ها و اعیاد ایرانیان و دیگر اقوام، ادیان و آثار مقدس دین یهود، زردشتی، مانوی، صابئی، مزدک و ... پرداخته و نظرات ارزشمند عالمانه‌ای در این باره ارائه کرده است. آثارالباقیه در سال ۳۹۰ تا ۳۹۱ هجری به پایان رسید و جزو نخستین آثار بیرونی است که تقریباً در بیست سالگی او توسط دربار قابوس در گرگان گردآوری شد. وی این کتاب را پس از اتمام به شمس‌المعالی کیکاووس تقدیم کرد.

تمامی محققان نظیر حسین نصر و روزنتال درخصوص آثار ابوریحان بر این حقیقت متفق‌القولند که ابوریحان بیرونی به طور آشکار و متقن درصدد روشی علمی و متفاوت با هم‌روزگاران خود بوده است. این تلاش از جانب او هم در عبارتهای مستقیم و هم در شیوه او به صورت آگاهانه دیده می‌شود. رویکرد نوآورانه او تا آنجا بود که بسیاری از پژوهشگران بر این باورند بسیاری از شیوه‌های معرفت و کشف علوم که امروزه در دنیای مدرن غرب مورد توجه است پیش‌تر در قرون چهارم و پنجم هجری متداول بوده است. در مقاله پیش رو برای انسجام و عدم تکرار کارهای پژوهشگران قبلی، وجوه اشتراک رویکرد و روش ابوریحان در دو کتاب آثارالباقیه و فی تحقیق ماللهند مورد بررسی قرار گرفته است.

مهم‌ترین رویکرد علی‌الخصوص در علوم طبیعی که ابوریحان به صراحت از آن یاد کرده روش مشاهده‌عینی و امتحان است. این ویژگی در آثار او بسیار نمود داشته و مصداق عینی دارد. وی در مطالعات خود این نظریه را که چشم افعی با دیدن زمرد کور می‌شود را با انجام مشاهده عینی و آزمایش رد کرد (بیرونی، ۱۳۵۵ ه.ق: ۶۸). وی همچنین در حکم زهر سمی در اجزای خوراندن الماس به سگ را با دادن الماس به سگ و خوردن آن توسط سگ باطل اعلام کرد (بیرونی، ۱۳۶۳: ۶۳-۶۲).

بیرونی درخصوص برآمدن غروب آفتاب در جواب کسانی که با او مخالفتند می‌نویسد: " چگونه شخص می‌تواند به چیزی معتقد شود که خلاف آن عیان و آشکار است؛ زیرا شفق در سمت مغرب نظیر فجر است از جهت مشرق و علت هر دو یک چیز است و هر دو هم به یک حالت هستند" (بیرونی، ۱۳۶۳: ۸). یا در جایی دیگر به این نکته اشاره دارد که " دیدن عبارت است از اینکه بیننده چیز دیدنی را در زمان وجود آن جایی که واقع است احاطه کند... زیرا مشاهده ادراک نگرنده است و نمود موردنظر در زمان و مکان حصول آن" (همان: ۱۴-۱۳). این قبیل آزمایش‌ها بیانگر این مطلب است که بیرونی به امور و گفته‌ها به دیده شک می‌نگریست و تا

آن سخن یا حکم را به آزمون و چالش نمی‌کشید نمی‌پذیرفت. به‌زعم زاخائو مستشرق آلمانی در وجود بیرونی روحیه ای بدیع وجود داشت که به روح انتقادی قرن نوزدهم نزدیک است (اذکایی، ۱۳۷۴: ۳۶). به طوری که عده‌ای او را از زمره پوزیتیویست های عصر وی می‌دانند (Duman, 2010: 23).

بیرونی در مباحث فلسفی نیز از تعالیم فارابی و خط‌مشی برهان قیاسی و روش استقرا فیلسوفان یونانی بهره می‌جست. بسیاری از مباحث او درخصوص مباحث فلسفی به روش دیالکتیک سقراطی صورت می‌گرفت. وی همچنین برای درک موضوع به توصیف و تشریح مباحث مورد بحث می‌پرداخت. او برای اثبات گفته هایش از روش توصیفی همراه با رابطه علی و معلولی استفاده می‌کرد. مثلاً در ذکر پیدایش شب و روز چنین استدلال می‌کند: " شبانه روز معلول بازگشت آفتاب است به دوران کل به دایره‌ای که برای این روز و شب ابتدا فرض شده اعم از هر یک از دوائر ولی بدین شرط که هم ما آنرا مبداء دانسته باشیم و هم عظیمه باشد زیرا هر دایره عظیمه‌ای بالقوه افق است یعنی ممکن است که برای محلی افق واقع شود" (همان: ۱)

درخصوص علوم انسانی از جمله تاریخ ملل و سرزمین‌ها رویکرد بیرونی شرح روایت‌های مختلف، جرح و تعدیل و انتخاب روایت منطقی‌تر از سایر روایت‌ها بود. دومان او را نخستین دانشمند در حوزه علوم انسانی معرفی کرده است (Duman, 2010: 23). مثلاً در کتاب فی تحقیق ماللهند خود ذکر می‌کند " این کتاب بحث و جدل نیست که به عقاید آنان که از حقیقت دور مانده‌اند پرداخته شود و بعداً به نقض عقیده آنان .. ؛ بلکه آرای این قوم را چنان که هست حکایت می‌کنم و از عقاید یونانیان نظیر و همانندی می‌آورم تا با هم سنجیده شود " (تنهایی، ۱۳۷۹: ۴۴۹). همین رویه را بیرونی در کتاب آثارالباقیه خود رعایت کرده است. به طوریکه حین گزارش به رقم و آمار اشاره دارد " به جدول ملوک کلدانیان بنگریم می‌بینیم که از اول سلطنت کورش تا اول پادشاهی اسکندر ۲۲۲ سال است و از سلطنت اسکندر تا تولد عیسی هم ۳۰۴ و روی هم رفته ۵۲۶ سال خواهد بود" (بیرونی، ۱۳۶۳: ۲۶).

۳- وجه تمایز روش ابوریحان در فی تحقیق ماللهند و آثارالباقیه

چنانکه پیشتر اشاره شد روش‌شناسی مبتنی بر مشاهده، استقراء، استدلال عقلی از جمله رویکردهای بیرونی نسبت به علوم بود. وی در شرح علم انساب می‌نویسد: " من این انساب را

ذکر کردم تا بفهمانم که مردم تا چه اندازه درباره کسی که دوست دارند تعصب می‌ورزند و با شخصی که بد هستند تا چه حد بغض و کینه دارند به قسمی که گاهی افراط در این دو اعتقاد سبب رسوایی دعاوی ایشان می‌شود" (همان: ۶۴)

باوجود این برخی عبارات و گزاره‌ها در متن کتاب وجود دارد که با رویه عقلی او که خود در صفحات مختلف بدان اشاره دارد مطابقت ندارد. نخست استفاده از عباراتی چون دشمنان ما در بخش‌هایی از کتاب آثارالباقیه و همچنین فی تحقیق ماللهند است. در قسمت تعریف فقها از روز شرعی چنین نوشته: "اگر فقها بگویند: روز شرعی غیر از روزی است که مردم در عرف قائل‌اند این گفته هم جز اختلاف لفظی است نامی گذاشته‌اند که عرف مردم وضع لغوی از آن بی‌خبر است با آنکه در آیه از ذکر روز و آغاز آن سخنی در میان نیست و پس از آنکه دشمنان ما در معنی با ما متفق شدند اگر هم در عبارت اختلافی باشد این اختلاف را چشم‌پوشی می‌کنیم" (بیرونی، ۱۳۶۳: ۷). درخصوص نصف‌النهار مبداء نیز اشاره می‌کند بر این مطلب که "اگر دشمنان ما این مسائل را ندانند یا آنکه خود را به نادانی بزنند از قبول این یک مسئله چاره نخواهد داشت که نصف‌النهار اول شش ساعت است و نصف‌النهار دیگر هم شش ساعت و نمی‌توانند در قبول این مسئله تجاهل نمایند" (همان: ۹). در جملات مذکور واژه دشمنان واژه‌ای مبهم است که ابوریحان در برابر مخالفان به عقیده روز و همچنین تعریف نصف‌النهار داشته‌است. تنها تأکید ابوریحان بر اثبات آیه قرآنی نشان می‌دهد مراد او از دشمنان، مخالفان دین اسلام یا فرقه‌های کلامی مخالف با اندیشه‌های او هستند که در قالب گفتمان خودی و غیر خودی تجلی یافته‌است. نکته قابل توجه دیگر استفاده از افعال جمع در عبارات ابوریحان بیرونی است. به طوریکه در شروع هر عبارتی از واژه می‌گوییم به جای می‌گویم استفاده کرده است. از نمونه‌های دیگر درخصوص این موضع‌گیری می‌توان به این عبارات اشاره کرد: "دشمنان پیوسته به طعن در انساب و تهمت در اعراض و نسبت بد در کارها می‌کوشند چنانکه دوستان و پیروان شخص همواره در تحسین زشت و سد خلل و اظهار جمیل و در نسبت به محاسن سعی می‌کنند بسا می‌شود که به واسطه همین نکته که گفتیم جمعی را وادار می‌کند که دروغ‌هایی بسازند و ممدوح خود را به اصل شریفی نسبت بدهند" (همان: ۶۱)

این رویکرد در کتاب فی تحقیق ماللهند نیز مصداق فراوان دارد، بااین تفاوت که در فی تحقیق ماللهند رویکرد او درخصوص "خود" و "دیگری"، "ما" و "آنها" تاحدودی قابل‌درک

است. بیرونی در سفر محمود غزنوی به هند با او بوده و پس از لشکرکشی محمود به هند مجموعه دستاوردهای خود را درخصوص هندوان در کتاب فی تحقیق ماللهند جمع آورد. در این کتاب بیرونی از هندوان تحت عنوان "آنها" و از مسلمانان به مثابه "خودی" یاد می‌کند اما این مطلب بیانگر فخر فروشی یا تمایز میان این با آن دگری نیست. ادعایی که ادوارد سعید آن را درخصوص ابوریحان مطرح کرده است (سعید، ۱۳۸۳: ۲۴). کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد که هدف بیرونی از نگارش این کتاب در راستای توسعه طلبی محمود غزنوی باشد که به بهانه جهاد با کفار به هندوستان لشکر کشید. در این صف آرای هندوان تحت عنوان گبران و کفار تلقی می‌شدند.

با وجود این، بیرونی آنگاه که به توصیف هندوان می‌پردازد لحنی همدلانه و رویکردی نسبتاً واقع‌بینانه نسبت به این قوم دارد (نساج، ۱۳۹۲: ۷۹). در فصل دوم کتاب به بررسی نگاه هندیان به خداوند می‌پردازد و نظر خواص و بزرگان برهمن را به نقل از کتب آنان بیان می‌کند و سپس به سراغ نظر عامه مردم می‌رود: "چون از خواص طبقه هند بگذریم و به عوام آنان توجه کنیم، اقوال در نزد آنان مختلف و گوناگون است و با سماجت و پافشاری همراه است" (بیرونی، ۱۹۵۸: ۳۲). اما بلافاصله تأکید می‌کند که "وضع عوام هند متفاوت از عوام سایر ملل نیست و در تمام ملت‌ها عوام این گونه‌اند و حتی عوام مسلمان نیز بر همین منوال هستند" (همانجا). این نوع نگاه امروزه در حوزه قوم‌شناسی مورد توجه است.

بیرونی همچنین درخصوص مباحث تاریخی و شناسایی اخبار امم نیز از رویکردی معتدل تر از شرح روایات و قیاس استفاده کرده و چنین می‌نویسد: "نزدیک‌ترین سببی که مرا به آنچه از من پرسیده‌اند می‌رساند شناسایی اخبار امم سالفه و تواریخ قرون گذشته است و بیشتر این احوال عادات و اصولی است که از ایشان و نوامیس ایشان باقی مانده و این کار را از راه استدلال به معقولات و قیاس معقول به محسوس نمی‌توان دانست و منتها راه موجود این است که از اهل کتب و ملل و اصحاب آراء و نحل که اینگونه تواریخ مورد استناد آنهاست تقلید و پیروی کنیم و آنچه آنان برای خود مبنا قرار داده‌اند ما نیز چنین کنیم و پس از آنکه فکر خود را از عوامل زیان آوری که بدان معتاد شده از قبیل تعصب و غلبه و پیروی از هوا و ریاست طلبی که سبب هلاک بسیاری از مردم است و مانع دیدار حق و حقیقت پاک ساختیم باید آراء و گفته‌های ایشان را در اثبات این مقصود به یکدیگر بسنجیم" (همان: ۴).

کرمی پور این نوع روش را روش پدیدارشناسی معرفی کرده است (کرمی پور، ۱۳۹۶: ۱۵۳-۱۵۶)، در حالی که در روش پدیدارشناسانه اصل بر سر وانهادن و کناره‌گیری هر نوع انده و به تعلیق درآوردن پیش‌فرض‌های ذهنی است (سافالوسکی، ۱۳۸۷: ۵۴؛ همان، ۱۳۹۵: ۷۶) گفته ابوریحان در فوق بیشتر بیانگر نوع تاریخ‌نگاری و اندیشه اسلامی است که رویکرد بیرونی را از وجه عقلی به وحی و شهود قلبی پیوند می‌زند. اگر هم‌سنجشی در این میان وجود دارد می‌بایست با حقیقت الهی منطبق بوده تا مانع دیدار حق نشود. بیرونی کتاب آثارالباقیه را همانند مولفان و نویسندگان قدیمی با رویکرد مشیت‌انگارانه و فلسفه الهی آغاز کرده و چنین می‌نویسد: "یکی از تدبیرهای لطیف خداوند متعال در مصالح بشر و یکی از نعمت‌های بزرگی که بر کلیه‌ی موجودات ارزانی فرموده این است که هیچگاه جهان از پیشوایی عادل که پناه مردم است" (همان: الف) و به پیوست این حکم به عادل و محق بودن شمس‌المعالی زیاری ممدوح خود استناد کرده می‌گوید: "پس خداوند را سپاس می‌گذاریم که بر بندگان خویش منت‌هایی گذاشت و مولا و ولینعمت ما امیر اجل و سید منصور شمس‌المعالی را برگماشت و او را امام عادل برای مردم قرار داد تا دین حق را یاری کند و نگهبان حریم و ناموس مسلمانان باشد و اهل اسلام را در برابر مفسدان حمایت کند" (همان: الف و ب)

۴- نقش خاستگاه ابوریحان و تأثیر عوامل سیاسی بر تألیف آثارالباقیه و فی تحقیق ماللهند

از آنجا که در تولید و پیدایش متن علاوه بر متن، بافت اجتماعی متن نیز حایز اهمیت است، لذا بررسی خاستگاه ابوریحان و فضای حاکم بر زندگانی او که زمینه ساز نگارش آثار او شده ضروری است. در خصوص اصل و نسب ابوریحان بیرونی روایت‌ها و برداشت‌ها متفاوت است. اگرچه بسیاری از منابع فارسی‌زبان در قرن چهارم در خصوص ایرانی بودن او متفق‌القول هستند حتی برخی به تاجیک بودن او استناد کرده‌اند (Bihari Satpathy: 114) اما در خصوص گویش ترکی بیرونی تردیدها و تناقضاتی در پژوهش‌های اخیر وجود دارد. من باب مثال پژوهشگران ترک نظیر گونی تیمور با استناد به گویش ترکی ابوریحان در کتاب الصیدله زبان مادری او را ترکی دانسته که ریشه در ترکی سغدی دارد و با استناد به همین ماجرا او را از زمره نویسندگان ترک معرفی کرده است. (timur, 1993: ۲۰۶) لیکن با خواندن کتاب الصیدله می‌توان دریافت که

اگرچه ابوریحان به ترکی سخن می گفت اما این موضوع بیش از اهمیت زبان سغدی به این موضوع برمی گردد که در قرن سوم هجری بسیاری از قبایل و امیران ترک زبان بودند و ابوریحان طبیعتاً برای درک بهتر مباحث خود می بایست میان زبان ترکی با زبان فارسی و عربی تعادل برقرار میکرد. از سوی دیگر او خود در الصیدله به فصاحت زبان فارسی در درک بهتر علوم اشاره داشت (بیرونی، ۱۳۷۰: مقدمه کتاب).

منطقه خوارزم در زمان حیات بیرونی توسط دو والی از شرق و غرب تحت نظارت حکومت سامانی اداره می شد. مقر خوارزم شرقی کاث بود (timur: 20). با روی کار آمدن غزنویان و تسلط خوارزمشاهیان بر منطقه خوارزم فضا برای پرورش و شکوفایی علمی و فرهنگی فراهم گردید؛ زیرا کاث و علی‌الخصوص خوارزم به لحاظ سوق‌الجیشی پرنعمت بودند و مقر متفکران و اندیشمندان بزرگ قرار گرفتند. در چنین فضایی ابوریحان در جوانی نزد فردی یونانی تلمذ می کرد. در دربار خوارزمشاه ابوالعباس مأمون از خاندان مامونیان همنشین و همصحبت ابن سینا و ابونصر عراق و ابوالخیر حسین بن بابا و ابوسهل مسیحی بود. وی همچنین اخترشناس، ریاضیدان، منجم، جغرافیدان قهاری است که همین دانایی اش درخصوص جغرافیا و اعتراف به پاره‌ای خرافات درخصوص مباحث جغرافیایی برای وی دردرساز شد تا جایی که کتاب تحدید نهایات الاماکن خود را در زندان نوشت (Hockey, 2007: 131). در زمان چیرگی سلطان محمد غزنوی در معیت او قرار گرفت. در سفر هند با او بود. ماحصل این سفر تحریر کتاب معروف فی تحقیق مالهند است. به روزگار مسعودغزنوی کتاب قانون مسعودی را برای او و به نام او نوشت. در بیست سالگی در جرجان نزد ابوسهل مسیحی تلمذ نمود.

طبق گفته روزنتال فضای مناسب و وجود حاکمان وقت که با تشویق و دادن صله رقابت تنگاتنگی میان دانشمندان فراهم می آوردند، سبب رویکردی متفاوت در میان نویسندگان و مترجمان این دوره شد. نگاه نقادانه همراه با تحلیل عقلی به جای رویکرد نقلی سرلوحه مولفان چهارم هجری قرار گرفت (روزنتال، ۱۳۶۵: ۱۱-۱۳). ابن مسکویه خوارزمی، ابن سینا و سایر دانشمندان این دوره در سایه حمایت سلاطین وقت به دنبال روش و بینش منحصر به فردی در تبیین علوم بودند. آنها شیوه قدما را در پژوهش‌های تاریخی نکوهش می کردند (ابن مسکویه، ج ۱، ۱۳۶۹: مقدمه). اولین کاربری این دست مطالعات، به کارگیری نگرشی علی معلولی در فهم رویدادهای تاریخی بود (گیب، ۱۳۶۱: ۱۰۹-۱۱۴؛ پیرمادیان، ۱۳۹۵: ۱۲).

با بررسی آثار ابوریحان و زمان تألیف آنها می‌توان تأثیر فضای حاکم بر حیات فکری او را بهتر درک کرد. بیرونی کتاب *التفهیم لأوائل صناعه التنجیم* را در ۴۲۰ ه. ق. به خواهش ریحانه دختر حسین خوارزمی به رشته تحریر درآورد (بیرونی، ۱۳۶۳: ۱۳۵-۱۳۶)، کتابی که رازی در *روضه‌المنجمین* درباره جدول دوستی و دشمنی سیارات چندبار به آن استناد کرده‌است (همان: ص ۷۷-۷۸). بیرونی چنان‌که خود می‌گوید: *التفهیم* را بر طریق پرسیدن و جواب دادن بر رویی که خوب‌تر بود و صورت بستن آن آسان‌تر تنظیم کرده‌است. نظامی عروضی سمرقندی در *چهارمقاله* آورده: "سلطان محمود غزنوی به شکوه محفل دربار مأمون بن مأمون غبطه خورده برای مأمون اتمام حجتی فرستاد که بیدرنگ همه دانشمندان برجسته آنجا را به غزنه بفرستد تا محمود دربار خود را به حضور آنان بیاراید؛ دو فیلسوف، ابن سینا و ابوسهل عیسی مسیحی به سوی غرب گریختند. ابن سینا به اصفهان رفت و تا پایان عمر در خدمت علاءالدوله محمد کاکویه بود، اما بیرونی، ابونصر عراقی ریاضیدان و ابوالخیر خمار پزشک به غزنه رفتند و به خدمت محمود درآمدند" (نظامی عروضی، ۱۳۲۷: ۱۱۸-۱۱۷). ظاهراً میان بیرونی و ابن سینا در خصوص مباحث شناختی و متافیزیک جدلهایی بوده که در نامه‌های بر جای مانده از آن دو می‌توان این حقیقت را یافت (Berjak, 2005: 3) بیرونی باقی عمر را در خدمت محمود، مسعود، و مودود غزنوی و جانشینان آنان گذرانید و پس از ۴۴۲ ه. ق. درگذشت.

دلیل روش‌شناسی ابوریحان بیرونی را می‌بایست در مشوقان و حامیان وی دانست. *آثارالباقیه* از جمله نخستین کتاب‌هایی است که بیرونی در زمان اقامتش در جرجان به شمس‌المعالی کیکاووس بن وشمگیر زیاری تقدیم کرد. ابوالحسن قابوس بن وشمگیر بن زیار دیلمی ملقب به شمس‌المعالی (حک: ۳۷۶-۳۳۵ ه. ق.)، از امیران سلسله زیاری، شاعر و خوشنویس بود و صاحب جرجان و طبرستان. پدرش وشمگیر بود. قابوس وشمگیر از سویی ادیب و خوش‌نویس بود و در نظم و نثر به عربی و فارسی سرآمد روزگار خود بود. همین فضا و روحیه ادیب پرور حاکم زیاری برای ابوریحان تازه کار فضایی مناسب برای بالندگی و شکوفایی بود. ابوریحان را به وی ارادت ویژه بود و این خلوص نیت و مودت در *آثارالباقیه* او به کرار دیده می‌شود. این ارادت هم در ابتدای کتاب *آثارالباقیه* و هم در تعریف و تمجید شمس‌المعالی با ذکر عبارت "واژه هیچ کس منکر نیست" به کرار مشاهده می‌شود (همان: ۶۳).

دوره دیگر شکوفایی ابوریحان حضور او در کنار سلطان محمود غزنوی است. محمود را به ابوریحان ارادت بسیار بود تا جایی که در سفرهایش به هند او را با خود همراه ساخت. کتاب *فی تحقیق ماللهند* را بیرونی پس از همین سفر نوشت و به محمود تقدیم کرد. طبق روایات بسیار در این دوران مناظرات و مباحث علمی در مناطق مختلف میان دانشمندان برقرار بود و هر یک از نویسندگان و عالمان برای قرابت بیشتر و تثبیت روش خاص خود به مبادله و گفتگوی علمی می پرداختند. از سوی دیگر خلق و خوی محمود غزنوی و اشتیاق او برای شناسایی افراد زبده و دانشمند فضا را برای پیشرفت ابوریحان فراهم کرد.

حکایت‌های نغز و جالبی درخصوص برخورد محمود با اظهارات علمی ابوریحان در منابع ذکر شده است. در روایتی در همین خصوص آمده که محمود غزنوی را تعصب و پیش داوری خصیصه ای بارز بود. همین خلق او سبب شد تا دشمنان و رقبای ابوریحان که در رأس آن ابن سینا قرار داشت از این نقطه ضعف سلطان استفاده کرده و با طرح مباحثی شک برانگیز محمود را با ابوریحان بد کنند. تا جایی که محمود غزنوی دستور داد تا ابوریحان را از خوارزم فراخوانند. ابوالفضل میکال و جمیع وزرا همگام و همراه ابوریحان بودند و پیشتر به او خبر دادند که سلطان قصد امتحان دانش تو را دارد. هنگامی که ابوریحان در محضر سلطان جای گرفت محمود برای به چالش کشیدن او پرسید حدس بزن و کاغذی بنویس من از کدام یک از چهار در باغ عبور خواهم کرد ابوریحان پس از بررسی جوابی مکتوب کرد از قضا حدس بیرونی درست از آب درآمد به طوری که سلطان محمود غزنوی جهت غرور و شکست ابوریحان دستور داد دیوار شبستان را بشکافند و از دیوار عبور کرد. زمانی که این اتفاق روی داد جملگی با تعجب پرسیدند چگونه حدس زدی ابوریحان در پاسخ گفت: از غرور و جاه سلطان واقف بودم که محال است از درها عبور کنند (الحسینی الحائری، ۱۳۴۲: ۴۳۵-۳۴۳).

طبق همین منابع محمود به دلیل هوش و زکاوت بسیار ابوریحان و البته دسیسه دشمنانش که او خود بارها با همین نام از آنها یاد کرده دستور قتل بیرونی را صادر می کرد، اما به واسطه دوستان نزدیک ابوریحان این اتفاق صورت نمی پذیرفت. در نهایت محمود غزنوی به دانش و علم ابوریحان اعتراف نمود و او را با خود به سفر هند برد. ابوریحان درخصوص مسعود غزنوی پسر محمود نیز همواره محتیاظ و دوراندیش بود. *قانون مسعودی* را بدان روی برای مسعود غزنوی نوشت تا او را بر اشتباهات و خرافات آگاه سازد اما این کار را با زکاوت و فراست خاصی انجام

داد. به او گفت: تو امروز پادشاه خافقین و درحقیقت مستحق نام ملک اراضی هستی و سزاوار است از مجاری این مسائل و تصاریف احوال شب و روز و طول آن در عامر و غامر آگاه باشی و در جواب مسائل و تصاریف احوال به نام مسعود کتابی نوشت روشن و ساده خالی از اصطلاحات و مواضع منجمین (دهخدا، ۱۳۵۲: ۶). مسعود پس از اتمام کتاب به قدری خوشحال شد که دستور داد صله ای درخور ابوریحان به وی دهند اما ابوریحان با گفتن این مطلب که از او تجمل مال و اسراف دنیوی گذشته از دریافت و پذیرش آن ممانعت کرد (همانجا).

با توجه به مطالب فوق به خوبی می‌توان فضای حاکم بر زمانه ابوریحان و سیاست‌های مربوط به ارتباط با سلاطین را در او مشاهده کرد. وی در عصری می‌زیست که اولاً مدعیان و رقبای سرسختی جهت سبقت علمی و روشی از هم وجود داشت که برخی چون ابن سینا به صراحت با او مشکل‌تراشی می‌کردند و از سوی دیگر همواره در معرض غضب یا کج فهمی حاکمان و سلاطین وقت بود. هم شمس‌المعالی و هم سلاطین غزنوی از تندخویان و متعصبان دینی بودند که شمار زیادی از متکلمان و فلاسفه در دربار آنها به حمد و ثنا آنها می‌پرداختند. درچنین فضایی شرح اخبار گذشتگان، تاریخ‌ادیان مختلف و مجموع این مباحث نوعی دوراندیشی و احتیاط را می‌طلبید که در *آثارالباقیه* و *فی تحقیق ماللهند* بیش از سایر آثار او دیده می‌شود.

۵- نتیجه

ابوریحان بیرونی از نام‌آوران عرصه علوم، فرهنگ و تمدن در قرن چهارم هجری است. ویژگی ممتاز او در رویکرد عقلی و فهم تاریخی و ممانعت از جهل و تعصب در علم و دانش است. به طوریکه روش‌شناسی و بینش خاص او در زمینه تحلیل و تجزیه داده‌های علوم در تمامی آثار او نمود عینی دارد. خود در جای‌جای آثارش با علم و آگاهی به این رویکرد علمی از اینکه توانسته به شیوه علمی و منحصر به فرد خود به اشاعه دانش بپردازد اشاره دارد.

اگرچه جمیع روش‌شناسی اعم از مشاهده، گردآوری میدانی، استقرا و تکیه بر روابط علی در آثار او دیده می‌شود باوجوداین شواهدی در دست است که نشان می‌دهد که بیرونی در دو کتاب خود *فی تحقیق ماللهند* و *آثارالباقیه* و در پاره‌ای علوم نظیر تاریخ، علم کلام و اخبار تاحدودی جانب تعدیل را گرفته و حتی گاهی جانبدارانه و در تلاش برای پاسخ دادن به جواب

کسانی است که آن را دشمن نامیده است. در شرح اخبار تنها به نقل اخبار مختلف پرداخته و در برخی جاها ترجیح داده تا برای حل موضوع به مشیت الهی و استناد به آیات قران روی آورد. این درحالی است که در علوم طبیعی علی‌الخصوص اخترشناسی و ریاضیات استدلال‌ها و رویکرد عقلی او مبرم و حتمی تر است. روش مورد توجه بیرونی در کتاب *فی تحقیق ماللهند* روش همدلانه است. این روش که امروزه توسط پیروان مکتب هرمنوتیک و یاران دیلتای و ماکس وبر مطرح می‌شود، پیشتر از سوی بیرونی در کتاب خود مورد توجه قرار گرفت. بیرونی همچنین در روش شناسی خود با مشخص سازی حوزه خودی و غیرخودی توانست به روشنی به تحقیق در خصوص تاریخ مردمان هند و سایر ملل غیر مسلمان پردازد، شیوه ای که بعدها توسط مورخان بعدی او مورد استفاده قرار گرفت.

منابع

- ۱- اذکایی، پرویز، *ابوریحان بیرونی (افکار و آرا)*؛ چاپ اول، تهران: طرح نو، ۱۳۷۴.
- ۲- "دیدگاه فلسفی ابوریحان بیرونی"، آینه میراث: دوره جدید، بهار و تابستان، ۱۳۶۸.
- ۳- الحسینی الحائری، مجالدین محمد، *زینة المجالس*، مقدمه احمد احمدی، تهران: سنایی، ۱۳۴۲
- ۴- الشابی، علی، *زندگینامه بیرونی*، ترجمه پرویز اذکایی، تهران: وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۲.
- ۵- بیرونی، ابوریحان، *فی تحقیق ماللهند من مقوله فی العقل او مردوله*، هند: حیدرآباد دکن، ۱۹۸۵م.
- ۶- *الجماهر فی معرفه الجواهر*؛ طبع کرنکو، حیدرآباد دکن: مطبوعات دائره المعارف العثمانیه، ۱۳۵۵ه.ق.
- ۷- *التفهیم لاوائل صناعة التنجیم*؛ طبع جلال الدین همایی؛ تهران: انجمن آثار ملی: ۱۳۵۲.
- ۸- *آثارالباقیه*؛ ترجمه اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم: ۱۳۸۶.
- ۹- *الصیدنه فی الطب*، عباس زریاب خویی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی: ۱۳۷۰.
- ۱۰- پیرمردیان، مصطفی، صادقی، حمید " *افق‌های فهم تاریخی از غزنه تا ری* : نگرشی بر همسانی روش و افتراق در بیش‌های تاریخ‌نگارانه ابوریحان بیرونی و مسکویه رازی "جستارهای

- تاریخی، پاییز و زمستان، سال هفتم، شماره ۲، صص ۱۷-۱، ۱۳۹۵.
- ۱۱-دهخدا، علی اکبر، شرح حال نابغه شهیر ایران ابوریحان بیرونی، تهران: طهوری، چاپ دوم: ۱۳۵۲.
- ۱۲-روزنتال، فرانتس، تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۵.
- ۱۳-ساکالوفسکی، رابرت، حیث التفاتی چیست و چرا مهم است؟، "نشریه ذهن"، ترجمه احمدامامی شماره ۳۴-۳۵: ۱۳۸۷.
- ۱۴-سجادی سیدضیاءالدین، زبان فارسی علمی ساخته ابوریحان بیرونی، مجله یغما، سال ۲۶، صص ۱۰-۳، شهریور ۱۳۵۲.
- ۱۵-سعید، ادوارد، شرق شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی: ۱۳۸۳.
- ۱۶-..... درآمدی بر پدیدارشناسی، ترجمه محمدرضا قربانی، تهران: گام نو: ۱۳۹۵.
- ۱۷-سلطانی، علی اصغر، قدرت، زبان و گفتمان، تهران: نشر نی: ۱۳۹۳.
- ۱۸-شجری قاسم خیلی، رضا "نگرش هوینی ابوریحان بیرونی"، جستارهای تاریخی، دوره اول، شماره اول: ۱۳۸۹.
- ۱۹-صفا، ذبیح‌الله، احوال و آثار بیرونی، تهران: اداره کل، بی تا.
- ۲۰-فرکلاف، نورمن، تحلیل انتقادی گفتمان، فاطمه شایسته پیران، شعبانعلی بهرام پور، تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، ۱۳۹۰.
- ۲۱-کرمی پور، الله کرم، نصیری، ولی‌الله "ابوریحان بیرونی: پدیدارشناسی، روش‌شناسی و انسان‌شناسی دین"، فلسفه دین: بهار، دوره چهاردهم، شماره ۱، صص ۱۷۷-۱۴۵: ۱۳۹۶.
- ۲۲-کوربن، هانری، تاریخ فلسفه اسلامی، مترجم جواد طباطبایی، تهران: مینوی خرد، ۱۳۹۱.
- ۲۳-کورویاناک، ت، یادنامه بیرونی، الف: مجموعه سخنرانی‌های فارسی، تهران: شورای عالی فرهنگ و هنر، مرکز مطالعات و هماهنگی: ۱۳۵۳.

۲۴- نساج، حمید، "سنجش ماللهند ابوریحان بیرونی براساس مؤلفه‌های شرق‌شناسی

ادوارد سعید"، دانش سیاسی، سال نهم، شماره اول پیاپی ۷۱، صص ۷۵-۸۶: ۱۳۹۲

۲۵- نصر، سیدحسین، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمدآرام، تهران: خوارزمی، چاپ دوم:

۱۳۵۹.

۲۶- نظامی عروضی چهارمقاله، به اهتمام محمدقزوینی، تهران: ارغوان: ۱۳۲۷.

27-Ahmad, Riaz (2010) **Al-Biruni: A Great Muslim Scientist, Philosopher and Historian (973 – 1050 Ad)**. **Journal of Pakistan Vision** Vol 10 No 1, pp 167-179.

28- Ahmad maqbul(1975) , Behari Ram, Subbarayappa “**al- biruni an introduction to his life and writings on the indian sciences**” pp 98-110.

29-Berjak, Rafik; Iqbal, Muzaffar (2005) “ **Ibn Sina-Al-Biruni Correspondence**” *Islam & Science* Vol. 3, No. 2, Winter.

30-Duman Abdullah (2010) ” **Bîrûnî : îlmî kişiliği, işiliği, tarih anlayışı ve yöntemi**” *Türk Dünyası İncelemeleri Dergisi / Journal of Turkish World Studies*, X/2 , s.19-38.

31-Hockey et al, Thomas (2007) “ **Abu al- Rayhân Muhammad ibn Aḥmad al- Bîrûnî - Islamic Science The Biographical Encyclopedia of Astronomers** ” *springer reference* . New York: Springer, pp. 131-133.

32-Tümer Günay (1992) “ **Ebü'r-Reyhân Muhammad b. Ahmed el-Bîrûnî**” cilt: 6, sayfa: 206-215.

33-Satpathy Binod Bihari “**Indian Historiography**” *DDCE/SLM/M.A . Hist/Paper Paper-VII*.